

## نبض اقتصاد در افق ۱۴۰۴؛ بازار در انتظار نقشه راه

بخش‌های خصوصی و تعاونی اقتصاد بهره گرفت و در خصوص بهبود شاخص‌های کسب و کار، اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی برای ترسیم دقیق قلمرو فعالیت اقتصادی بخش‌های دولتی، غیردولتی، خصوصی و تعاونی، آزادسازی و خصوصی‌سازی واقعی‌تر و شفاف‌تر و خلاصه برداشتن گام‌های بلند و استوار در راه رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام طرحی نو در انداخت. از این رو سیاست کلی نظام در افق چشم‌انداز باید بر اساس محورهای زیر استوار شود:

۱. تحقق رشد اقتصادی سریع، پیوسته و باثبات
  ۲. ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری
  ۳. تحقق رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی
  ۴. ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب و...)
  ۵. تعامل فعال با جهان در تمام عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی
  ۶. پشتیبانی از کارآفرینی، فعالیت‌های نوآورانه و ظرفیت‌های فنی و پژوهشگری
  ۷. تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر خودکفایی نسبی در تولید محصولات کشاورزی
  ۸. دستیابی به اقتصاد متنوع، متکی به دانایی، سرمایه انسانی و فناوری‌های نوین
  ۹. حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی و مشارکت فعال در تقسیم کار بین‌المللی
  ۱۰. ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای توسعه صادرات غیرنفتی و رفع موانع تولید قابل رقابت در عرصه بازارهای جهانی
  ۱۱. ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیرمادی
  ۱۲. اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی، و خلق مزیت‌های جدید
  ۱۳. توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی، به‌عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی
  ۱۴. تلاش برای مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه
  ۱۵. نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت
  ۱۶. ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی، تسهیل فرایند دستیابی آن به منابع، اطلاعات و فناوری، تسهیل ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی بین تعاونی‌ها
  ۱۷. توسعه حضور بخش‌های تعاونی و خصوصی در همه بخش‌های اقتصادی و محدود کردن تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی در سقف عناوین مصرح در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی و حداکثر حضور کارآمد در قلمروهای امور حاکمیتی
- از این رو پیشنهاد می‌شود دولت و مجلس بار دیگر این فراز از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران (افق ۱۴۰۴) را نیک بنگرند که
- «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» که از حیث اقتصادی بایستی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ای آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل دست یابد و ضروری است در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخص‌های کمی کلان آنها از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود.

هر چند موج نخست رکود فراگیر اقتصادی دنیا، اثر کمتری بر اقتصادهای ملی برخی کشورها، از جمله ایران، داشت، با رسیدن موج دوم و سوم رکود، طبیعی و قابل پیش بینی بود که اقتصاد ایران نیز دچار رکود شود و از این رو ضرورت دارد دولت و مجلس در فضای تصمیم‌سازی کارشناسی چاره‌ای بیندیشند تا از عمیق‌تر شدن رکود اقتصادی، به‌ویژه در بخش‌های واقعی اقتصاد جلوگیری کنند. واقعیت این است که جنس و ماهیت رکود اقتصادی ایران به نسبت رکود کم‌سابقه جهانی تا اندازه زیادی متفاوت است؛ هر چند در طراحی، تدوین و اجرای راهبردها و راهکارهای خروج از رکود می‌توان به نقاط مشترک اندیشید. رکود اقتصادی جهان که با بحران اعتباری بانک‌های آمریکا آغاز شد و دامن اقتصاد کشورهای غربی و به دنبال آن بازارهای مالی و بورس‌های معتبر جهان را گرفت، با دخالت مستقیم و حمایت‌های دولت‌ها در اقتصاد تا اندازه کمی فروکش کرد که نماد آن را می‌توان در بهبود قیمت جهانی نفت و انتشار گزارش‌های امیدوارکننده از بهبود شاخص رشد اقتصادی در برخی کشورهای اروپایی، نظیر آلمان و فرانسه در ماه‌های اخیر مشاهده کرد. هر چند برخی اقتصاددانان و کارشناسان بر این باورند که کاهش ارزش دلار آمریکا در نتیجه تراز منفی تجاری آمریکا و نگرانی از بیکاری فزاینده در این کشور باعث رشد قیمت ارزهای معتبر، نظیر یورو و بین ژاپن و همچنین افزایش بی‌سابقه قیمت طلا در بازارهای جهانی شده است و این احتمال وجود دارد که اقتصاد آمریکا و اروپا دوران سختی را برای خروج از بحران تجربه کنند.

اما در شرایطی که دولت‌ها برخلاف شعار جهانی‌شدن اقتصاد و منطق اقتصاد لیبرالیستی و عدم دخالت در اقتصاد، رویکرد دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم را در یک سال اخیر در پیش گرفته‌اند و به نظر می‌رسد دامنه دخالت و حمایت دولت‌ها از اقتصاد ملی‌شان حتی در چارچوب توافق‌های جهانی، نظیر توافق گروه ۲۰ در سال آینده میلادی هم فراتر رود، باید اندیشه کرد که راه خارج کردن اقتصاد ایران از رکود چیست؟

دست‌کم ضروری است در گام نخست از کاهش نرخ رشد اقتصادی جلوگیری کرد و اجازه نداد اشتغال و تولید ضربه ببیند و از این جهت تدوین سیاست‌های پولی، مالی و راهبردهای تجاری و صنعتی متفاوتی باید اتخاذ شود و پیشنهاد می‌شود در ابتدا کارگروه حمایت از تولید جدی‌تر و فعال‌تر نسبت به اعمال سیاست‌های حمایت از تولید و اشتغال موجود اقدام کند و تنها به سیاست‌های حمایتی پولی و بانکی دل نبندد. شاه‌بیت سخنان وزیران اقتصادی دولت و مسئولان ارشد اقتصادی کشور این است که دولت مصمم است از تولید و اشتغال حمایت کند، اما به نظر می‌رسد برای این مهم ضروری است مجلس هم به حمایت از دولت بشتابد و قوای مجریه و مقننه راه مشترکی در پیش گیرند.

تأمل در تصمیم دولت‌های دیگر کشورها نشان می‌دهد اگر ضرورتی احساس کنند، مقررات تعرفه‌ای و حتی غیر تعرفه‌ای را در برابر واردات کالاهای خارجی اعمال می‌کنند و یا اینکه در حمایت از اقتصاد ملی خویش ابایی ندارند که بسیاری از موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای و جهانی را مستقیم و غیر مستقیم نادیده بگیرند و اینکه گفته شود برابر قانون نمی‌توان واردات را محدود کرد، در شرایطی قابل پذیرش است که طرف‌های تجاری ایران هم قاعده یکسان را در پیش گیرند و با دخالت‌های خود به بهانه حمایت از اقتصاد ملی‌شان قاعده اقتصاد و تجارت را به هم نزنند.

اکنون و در آستانه نهایی شدن لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها در مجلس و ارائه لوایح مهم برنامه توسعه و قانون بودجه سال آینده فرصتی حساس و مهم در اختیار دولت و مجلس قرار دارد تا به اولویت‌ها و ضروریات بیندیشند و نقشه راه روشنی از اقتصاد ترسیم کنند. دور از افراط و تفریط در نقد و یا دفاع از وضعیت اقتصادی ایران باید قبول کرد که نبض بازار کند می‌زند و این مسئله تا اندازه زیادی ناشی از رکود اقتصادی جهانی و اثرگذاری موج‌های دوم و سوم آن بر اقتصاد کشورهایی چون ایران است و دست‌کم انتظار می‌رود از شدت گرفتن رکود و نامنظم شدن فضای کسب و کار و تجارت و تولید جلوگیری شود.

راه برون‌رفت از وضعیت کنونی اقتصاد در گرو همدلی قوای سه‌گانه و مشارکت واقعی مردم در سرنوشت اقتصادی خویش است و می‌توان از کمک و راهنمایی فعالان